

طالبان؛ زاده شیطانی قدرت‌ها، بذر اصولگرایی افراطی می‌باشد

نوشته دکتر هوشنگ طالع

هنگامی که در سال ۱۹۸۹ میلادی آخرین سربازان روس خاک افغانستان را ترک کردند، دولت ایالات متحده نیز که میلیاردها دلار به صورت جنگ‌افزار، مهمات، تجهیزات و کمک‌های نقدی و جنسی در طول اشغال کشور مزبور از سوی ارتش سرخ در اختیار گروه‌های جهادی قرار داده بود، صحنه افغانستان را ترک کرد و مسایل مربوط به آن سرزمین را به متحدان عمده‌ای خود در منطقه، یعنی حکومت‌های پاکستان و عربستان سعودی واگذارد.

اداره اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، در دوران اشغال افغانستان از سوی نیروهای نظامی شوروی، در پی آن بود که نبرد علیه اشغال‌گران را به جهاد عمومی دنیای اسلام علیه شوروی تبدیل کند.

از این روی، میان سال‌های ۹۰-۱۹۸۰ کمابیش ۳۵ تا ۴۰ هزار جوان از ۴۰ کشور مسلمان در این نبرد شرکت جستند. این افراد در اردوگاه‌هایی که در این جا و آن جای جهان برپا شده بودند تعلیم می‌دیدند و روانه میدان جنگ می‌شدند. برخی نیز در افغانستان دوره‌های آموزشی را می‌گذراندند. ده‌ها هزار جوان دیگر نیز از کشورهای گوناگون اسلامی برای برخورداری از تعلیمات دینی به مدارس دینی پاکستان سرازیر شدند.

بدین سان، برآورد می‌شود که نزدیک به ۱۰۰ هزار جوان مسلمان غیرافغانستانی به طور مستقیم از نبرد مردم افغانستان علیه نیروهای اشغال‌گر شوروی، تأثیر پذیرفتند. این‌گونه بود که تخم بنیادگرایی اسلامی به سرعت در کشورهای الجزایر، مصر، یمن، سودان، اردن، بنگلادش و فیلیپین پراکنده شد.

سه سال پس از خروج نیروهای ارتش سرخ از افغانستان، نیروهای مجاهدین و در رأس آنان احمد شاه مسعود، قهرمان نبردهای آزادی بخش افغانستان، پیروزمندانه وارد کابل شدند و

به عمر حکومت کمونیستی که میراث دوران اشغال شوروی‌ها بود، پایان دادند.

حاصل ده سال نبرد با ارتش سرخ و نبردهای پس از آن، عبارت بود از یک میلیون تن گشته، صدها هزار معلول، یک سرزمین ویران و اقتصادی از پای درآمده.

با دستیابی نیروهای مجاهدین به کابل و اعلام دولت قانونی و شناسایی آن از سوی کشورهای جهان، امید در دل مردم افغانستان و دوستداران آن مردم و کشور، جوانه زد. همه بر این امید و باور بودند که سرانجام با بازگشت آرامش به این کشور، دوران سازندگی آغاز خواهد شد. اما دخالت کشورهای همسایه در امور داخلی کشور افغانستان، به دولت قانونی

کشور مزبور اجازه نداد که با گستراندن سیطری نفوذ خود به سراسر کشور و انجام خلع سلاح عمومی، فضای کشور را برای بازگشت به دوران صلح و سازندگی، آماده کند.

در این میان، حکومت‌های پاکستان و عربستان سعودی که خود را نماینده دولت آمریکا و در نتیجه غرب در منطقه می‌دانستند، بیش از همه آشفته‌گی اوضاع افغانستان و به انجام رسیدن صلح و آرامش در کشور مزبور، مفسرند.

در زمستان ۱۳۷۳، گروه جدیدی به نام طالبان در شهر قندهار مرکز مناطق پشتون‌نشین افغانستان، سر بر آوردند. گروه مزبور مدعی بود که برای پایان دادن به کشمکش‌های داخلی

افغانستان، درس و مدرسه و ارشاد مردم را رها کرده و اسلحه به دست گرفته‌اند. گرچه همه آنان مدتی را در مدرسه‌های دینی پاکستان گذرانده بودند، اما زیر نظر دستگاه اطلاعات داخلی پاکستان (ISI) تعلیمات نظامی را آموخته بودند و با پول عربستان سعودی تغذیه می‌شدند.

چند سال بعد، خانم بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر پیشین پاکستان هنگامی که در مسند نخست‌وزیر قرار داشت اعلام کرد که در ایجاد گروه طالبان، حکومت پاکستان و عربستان با یکدیگر همکاری کرده و نظر موافق حکومت‌های آمریکا و انگلستان را نیز جلب کرده بودند.



ایران الکترونیک

IRAN ELECTRONIC

وارد کننده و توزیع کننده قطعات الکترونیک

نیمه‌هادی، رله، فیبر روکش مسدار

باندگو، هسته فریت، قلع

قطعات اختصاصی طبق سفارش مشتری

بازرگانی امیری

تهران، خیابان مطهری، بعد از خیابان مفتح، خیابان مهرداد، شماره ۱۰

تلفن: ۸۸۳۱۹۸۱، ۸۸۳۹۵۱۳

فاکس: ۸۸۳۱۹۸۱، ۸۳۷۶۳۴

در آغاز کار (۱۳۷۳ خورشیدی)، طالبان مدعی بود که در پی اجرای احکام شریعت است و نه به چنگ آوردن حکومت. اما پس از آن که دو سال بعد توانست کابل را اشغال کند، چهره کریمه خود را به جهانیان نشان داد. چهره‌های خشن و ضدانسانی که از چشمه‌های تلخ بنیادگرایی و تعصب، سیراب می‌شود.

دو سال پس از اشغال کابل، نیروهای طالبان با حمایت همه‌جانبه خالقان خود، بیشترین بخش‌های شمال کشور افغانستان را تصرف کرد و نیروهای دولت قانونی کشور مزبور را به بخش شمال خاوری، واپس راند.

طالبان چه کسانی هستند؟

طالبان، نه بیان‌نامه (مانیفست) دارد و نه گروهان‌نامه و نه برنامه حکومتی. طالبان اطلاعیه مطبوعاتی صادر نمی‌کند و به دلیل ممنوع بودن عکس‌برداری، فیلم‌برداری و تلویزیون، حتی مردم تحت سلطه و ستم طالبان در افغانستان، نمی‌دانند که حاکمانشان، چه شکل و شمایلی دارند.

رهبر این گروه، یعنی ملا محمد عمر، خود را امیرالمؤمنین می‌نامد. وی به بهانه این که چشمش به گناهکاران (یعنی دیگران) نیفتد، پشت پرده می‌نشیند و برای این که صدایش به گوش گناهکاران نرسد، خود سخن نمی‌گوید و سخنان خود را به وسیله شخص دیگری بازگو می‌کند. وی حتی از پشت پرده هم اجازه حضور به غیرمسلمان نمی‌دهد.

بدین سان، تنها حلقه یا محفل اصلی طالبان، چهره ملا محمد عمر را می‌بینند و صدای وی را می‌شنوند. برداشت (قرائت) طالبان از اسلام، برپایه تحریف و واژگون ساختن این برداشت وسیله علمای پاکستانی و با همکاری گروهی از ملاحای افغانی در اردوگاه‌های برداشت «دکوباندی گری» از اسلام است. پناهندگان افغانستانی به آنان تزریق شده است.

«دکوباندی گری» جنبشی برای نوسازی و امروزین کردن اسلام در هندوستان در دوران اشغال انگلستان بود. «دکوباندی گری» در پی آن بود با دیدن جان تازه در کالبد اسلام، آن را به عنوان یک آیین مترقی و پیشرو به جامعه عرضه کند.

اما، رفته‌رفته این افکار در دست ملاحای بیسواد و تاریک‌اندیشان پاکستانی، تغییر شکل

داده و از قالب «امروزین گرایی» آن خارج شده و به صورت یک برداشت «بنیادگرایی خشن» درآمد است. پیروان «دکوباندی» که رفته‌رفته

جمعیت علمای اسلامی پاکستان محمول اصول تحریف شده «دکوباندی» بود، از این محمول ابتدا ارتجاع طالبان زاده شد و سپس سپاه صحابه و لشکر «جهنگوی»

در پاکستان نفوذی به دست آورده بودند، موفق به تأسیس یک حزب سیاسی شدند. این حزب، یعنی «جمعیت علمای اسلامی» با بهره‌گیری از مسأله اشغال افغانستان و در اثر دریافت پول و کمک‌های مالی از سوی سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) و عربستان سعودی که با سخاوت در اختیار برخی گروه‌های افغانستانی و سازمان‌های پشت جبهه در پاکستان قرار می‌گرفت، در منطقه پشتونشین هم‌مرز با افغانستان، صدها مدرسه دینی برپا کردند. مدرسین این مدرسه‌ها، به زحمت می‌توانستند بخوانند و بنویسند. وهابیت عربستان سعودی نیز که ریشه‌هایی از برداشت خود را از اسلام در برداشت این گروه می‌دید، با دادن پول و تسهیلات مالی ویژه، آنان را تقویت می‌کرد.

با این وجود، جمعیت علمای پاکستان تا سال ۱۳۷۲ خورشیدی، دارای اهمیت ویژه‌ای در صحنه سیاسی پاکستان نبود. در این سال، جمعیت مزبور با حزب مردم (بی‌نظیر بوتو) بر

سر مسأله انتخابات ائتلاف کرد و در نتیجه با پیروزی حزب مزبور در انتخابات، وارد دولت بی‌نظیر بوتو شد. بدین سان، جمعیت علمای پاکستان در شاهره قدرت قرار گرفت و توانست به دلیل حضور در حکومت، ارتباط‌های لازم را با ارتش، دستگاه اطلاعات داخلی (ISI) و وزارت کشور، برقرار کند.

دو گروه اسلامی بنیادگراتر و خشن‌تر در پاکستان یعنی «سپاه صحابه» و «لشکر جنگی» [جهنگوی در گویش خود پاکستانی‌ها] هر دو از جمعیت علمای اسلامی جدا شده‌اند. هدف اصلی این دو گروه که مانند جمعیت علما از حمایت مالی وهابیت عربستان سعودی بهره‌مندند، قلع و قمع و کشتار شیعیان در پاکستان است. البته دو گروه یاد شده، دو بار نیز به جان محمدنواز شریف نخست‌وزیر پیشین سوء قصد کردند که نافرجام ماند. هنگامی که نواز شریف در دوران حکومت در پی سرکوب آنان برآمد، رهبر آنان به کابل پناه برد.

پاکستان، هنوز پس از گذشت پنجاه سال از بحران هویت رنج می‌برد. از سوی دیگر، مشکلات اقتصادی فساروان، پراکندگی‌ها و اختلاف‌های قومی و مذهبی و وجود یک هیأت حاکمه فاسد، امروز این کشور را بیش از دیگر کشورهای منطقه در خطر یک حرکت بنیادگرایی، قرار داده است. در سال‌های اخیر، گروه‌های شبه طالبان، نفوذ زیادی در استان‌های «بلوچستان» و «شمال غربی» پاکستان به دست آورده‌اند. در سال گذشته گروه‌های مزبور در استان بلوچستان (پاکستان)، تلویزیون و ویدیو را تحریم کردند. زنان را مجبور به تبعیت از پوشش طالبان نمودند. دست به کشتار شیعیان دراز کردند و سنگسار و قطع اعضا را مبنای مجازات‌ها قرار دادند. امروزه نفوذ آنان از مناطق پشتون‌نشین نیز فراتر رفته و به استان‌های پنجاب و سند هم سرایت کرده است. در حمله تائبستانی اخیر طالبان، برای اولین بار از ۶۰ تا ۸۰ فرار پاکستانی که برای شرکت در حمله مزبور به صفوف طالبان پیوسته بودند، اکثریت غیربشتون و از اهالی استان سند بودند. با این وجود، ارتش پاکستان بر این باور بود که هرگاه سرزمین افغانستان در اختیار طالبان باشد و با توجه به وابستگی ویژه طالبان به پاکستان، این امر در هر درگیری احتمالی با هندوستان بر سر مسأله کشمیر بر زرفای

از دیگر
فرآورده‌های
نبرد رهایی
بخش مردم
افغانستان
علیه ارتش
سرخ
اسامه بن
لادن است.
بن لادن به
عنوان یک
صاحب
سرمایه و
وابسته به



دستگاه حکومتی عربستان سعودی، در همکاری با دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا، به تجهیز نیرو برای نبرد با روس‌ها پرداخت. بن لادن در سال ۱۹۹۰ میلادی پس از خروج ارتش سرخ از افغانستان از آن کشور خارج شد. اما در سال ۱۹۹۶ دوباره به افغانستان بازگشت.

بن لادن، پس از ورود دوباره به افغانستان، عرب‌های باقی مانده از دوران نبرد با روس‌ها را به گرد خود جمع کرده و آنها را دوباره مسلح کرد. بدین‌سان گردان ۵۵ به وجود آمد حضور دوباره بن لادن در افغانستان تأثیر زیادی بر روی روند مسایل سیاسی افغانستان برجای گذارد. طالبان با تأثیرپذیری از بن لادن که روزگاری روابط بسیار نزدیکی با سازمان سیا داشت، رفته‌رفته حملاتی را علیه آمریکا، سازمان ملل و حکومت‌های عرب موافق غرب آغاز کرد.

بعد از بمب‌گذاری در سفارت آمریکا در دو کشور آفریقای کینیا و تانزانیا (اوت ۱۹۸۸ میلادی)، ایالات متحده بن لادن را متهم به حمایت مالی از سازمان‌های تروریستی در سومالی، مصر، سودان، یمن و افغانستان کرد و با موشک‌های دریا به زمین به پایگاه بن لادن در افغانستان حمله برد. در این حمله کمابیش ۲۰ تن جان سپردند. اما به وی آسیبی نرسید. در مرحله بعد، واشنگتن درخواست اخراج بن لادن از افغانستان را کرد، اما طالبان نپذیرفت.

مسأله بن لادن، مشکل زیادی برای حکومت‌های پاکستانی و عربستان که هر دو از متحدان آمریکا در منطقه به شمار می‌روند، به بار آورده است.

چندماه پیش، «جمعه نمگانی»، یکی دیگر از رهبران جنبش اسلامی ازبکستان با کمابیش ۸۰۰ جنگجوی بنیادگرا بخش‌هایی از قرقیزستان را اشغال کرد و گروهی از اهالی کشور مزبور را به گروگان گرفت و تهدید کرد که به ازبکستان یورش خواهد برد. اقدام وی با هماهنگی میان جمهوری‌های قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان، خنثی شد. البته یادآوری این نکته ضروری است که جنبش اسلامی ازبکستان زیر نفوذ وهابیون قرار دارد و آنان خواهان اجرای شریعت بر پایه الگوی طالبان هستند.

هم‌چنین طالبان، به برخی از حرکت‌های مسلحانه مخالف جمهوری اسلامی ایران نیز پناه داده است. از آن جمله می‌توان از گروه کوچک «اهل سنت و جماعت» نام برد. هم‌چنین تاکنون چندین هیأت از سوی سازمان مجاهدین خلق برای ایجاد پایگاه در کشور مزبور با برخی از سران طالبان در کابل گفتگوهایی انجام داده‌اند. از سوی دیگر، گفته می‌شود که حرکت‌های اخیر در ایغورستان در ارتباط با افرادی است که در اردوگاه «طاهر یولدش اوف» و «اسامه بن لادن» تعلیم دیده و از طریق افغانستان پول و تجهیزات دریافت کنند.

هم‌چنین، در میان بنیادگرایان چینستان که چندماه پیش بخش‌هایی از داغستان را تصرف کردند، افغانستانی‌ها، پاکستانی‌ها و عرب‌هایی به چشم می‌خورند که در اردوگاه‌های افغانستان تعلیم دیده‌اند. نیروهای مزبور که به ناچار از داغستان عقب نشسته‌اند، اکنون در چینستان، فعالند.

استراتژیک این کشور می‌افزاید. از سوی دیگر گروه‌های «دکوباندی» طالبان پاکستان و نیز شبکه تروریستی اسامه بن لادن، امروز تبدیل به بزرگترین منابع یاری‌رسانی به گروه‌های کشمیری که علیه هند می‌جنگند، شده‌اند. با توجه به این مسایل و خطرات زیادی که می‌تواند در آینده گریبان‌گیر این کشور شود، ارتش پاکستان دست از حمایت طالبان برنداشته بود. بدون تردید کودتای اخیر نظامی در پاکستان، بدون ارتباط با خطراتی که کشور مزبور را به ویژه از سوی بنیادگرایان هم‌فکر و هم‌اندیشه با طالبان تهدید می‌کند، نیست. عدم واکنش غرب، به ویژه آمریکا در برابر کودتای نظامی در کشوری که دارای روابط بسیار نزدیک با آمریکاست، نمایان‌گر آن است که کشور مزبور از این اقدام اطلاع داشته و شاید آن را به عنوان آخرین راه نجات پاکستان از افتادن به جنگ گروه‌های بنیادگرا، پذیرفته است.

ظهور بنیادگرایی در آسیای میانه

در جریان جنگ‌های داخلی علیه طالبان، جمهوری‌های نوحاسته بر پهنه سرزمین خوارزم و فرارود، با حمایت از گروه‌های قومی نزدیک به خود، در پی آن بودند که منطقه حایلی برابر نفوذ بنیادگرایان پستون، ایجاد کنند. اما این مانع خیلی زود از میان برداشته شد و امروز طالبان در کنار مرزهای ترکمنستان ازبکستان و تاجیکستان مستقر شده‌اند. در کشمکش‌های داخلی افغانستان، جمهوری ترکمنستان اعلام بی‌طرفی کرده است، اما حکومت‌های دوشنبه و تاشکند از دولت قانونی افغانستان حمایت می‌کنند.

در اواخر سال پیش «طاهر یولدش اوف» رهبر جنبش اسلامی ازبکستان که متهم به شرکت در سوء قصد نافرجام علیه اسلام کریم اوف رییس جمهور کشور مزبور شده بود، به کابل گریخت. در جریان این سوء قصد، شش بمب در تاشکند منفجر شد و در نتیجه شانزده تن کشته و ۱۲۸ تن زخمی شدند.

در اوایل سال جاری، طالبان به یولدش اوف اجازه داد که اردوگاهی در نزدیکی مرز ازبکستان، برپا کند. گفته می‌شود که در این اردوگاه چند صد جوان از اتباع ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ایغورستان (ایالت کنونی سین کوانگ چین)، سرگرم فراگیری فنون نظامی و خرابکاری هستند.

مخدر از افغانستان به این کشور. درآمد کافی در اختیار مبارزان ایغور قرار می‌دهد. برآورد جدید بانک جهانی نشان می‌دهد که درآمد طالبان از قاچاق مواد مخدر از راه پاکستان در سال ۱۹۹۷ میلادی برابر با ۲/۵ میلیارد دلار بوده است. این رقم برابر با نصف ارزش تولید ناویژه داخلی افغانستان است.

با در نظر گرفتن دیگر راه‌های قاچاق، درآمد طالبان و دیگر گروه‌های هم‌پیمان با آنان، مانند گروه اسامه بن لادن و گروه طاهر یولداش اوف و ... بالغ بر ۵ میلیارد دلار در سال مزبور بوده است.

تا جریان جنگ‌افزار به سوی طالبان ادامه دارد، تا ارتش پاکستان و گروه‌های متنفذی از خاندان حکومت‌گر عربستان سعودی به حمایت مالی و تجهیزاتی از طالبان ادامه می‌دهند و تا زمانی که طالبان و گروه‌های همراه آن قادر باشند از درآمد فراوان قاچاق مواد مخدر بهره‌مند شوند، نه تنها طالبان به پای میز گفت و گو نخواهد نشست، بلکه هر روز باید شاهد اوج‌گیری بنیادگرایی در یکی از کشورهای منطقه باشیم.

تحریم اقتصادی، عدم شناسایی از سوی کشورهای جهان برای مردان ماقبل تاریخ و حکومت دوره نوسنگی طالبان، نمی‌تواند معنایی داشته باشند.

این نوشته با بهره‌گیری از گزارش‌های سازمان ملل متحد، بانک جهانی، گزارش‌های گوناگون پیرامون افغانستان و نیز مجله‌های سیاست خارجی Foreign Affairs تهیه شده است.

پاتویس:

Deobandism - ۱

بهره مناسب در اختیار کشاورزان قرار می‌دهند. در دهه ۸۰ میلادی، تریاک و هروئین تولید افغانستان، تنها از طریق پاکستان به غرب صادر می‌شد. اما امروز، راه‌های جدیدی مانند آسیای میانه، ایران، کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس نیز به آن افزوده شده است.

تحریم اقتصادی و عدم شناسایی طالبان از سوی کشورهای جهان، برای مردان ماقبل تاریخ طالبان نمی‌تواند معنایی داشته باشد!

افزایش راه‌های صدور، به مفهوم افزایش درآمد طالبان است. افزون بر طالبان، دیگر گروه‌های مستقر در افغانستان نیز از همین طریق تغذیه می‌شوند. امروزه با وجودی که بیشتر حساب‌های بانکی بن لادن در خارج بسته شده‌اند، اما وی از راه خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر درآمد لازم را به دست می‌آورد. مقام‌های چینی اعلام کرده‌اند که قاچاق مواد

البته در این میان، مشکل سعودی‌ها بیشتر است. عربستان سعودی که سرمایه‌گذاری سنگینی بر روی طالبان کرده است، مجبور شد که روابط خود را پس از بمب‌گذاری در سفارت‌خانه‌های آمریکا در آفریقا، با گروه مزبور قطع کند. از این روی، حکومت عربستان سعودی، شناسایی طالبان را به حالت تعلیق درآورد و کمک‌های مالی حکومتی را قطع کرد. اما سعودی‌ها، شناسایی سیاسی طالبان را پس نگرفتند. گفته می‌شود اگر کمک‌های مالی سعودی‌ها به طالبان از مجراهای دیگری ادامه دارد. سعودی‌ها، مایلند که بن لادن در افغانستان بماند یا این‌که در همان جا به زندگی وی خاتمه داده شود، زیرا دستگیری وی که در آمریکا، می‌تواند پرده از روی ادامه ارتباط‌های وی با اعضای خاندان حکومتی عربستان و دستگاه اطلاعات آن بردارد و لطمه سختی به این حکومت وارد کند.

مواد مخدر، منبع درآمد طالبان

در اطراف قندهار، تا چشم کار می‌کند، کشتزارهای تریاک وجود دارد. طالبان برای آشنا کردن کشاورزان با روش‌های بهتر کشت تریاک، در اطراف شهر هرات، کشتزارهای نمونه ایجاد کرده است. طبق برآوردهای سازمان ملل، تولید تریاک افغانستان در سال ۱۹۹۹، برابر با ۴۶۰۰ تن است. این رقم دو برابر تولید سال پیش است. بدین ترتیب تولید تریاک طالبان در سال ۱۹۹۹، سه برابر بقیه جهان است. طالبان، بیست درصد از کشت تریاک و معاملات مواد مخدر، مالیات دریافت می‌دارند. سوداگران مرگ، تنها نظام بانکی کشور را در اختیار دارند. اینان با سلف‌خری، پول لازم را با

INTERNATIONAL COURIER SERVICE

شرکت حمل و نقل بین المللی آرامکس



با پانزده سال سابقه در خنای
حمل و نقل بین المللی هوایی در جهان

آرامکس

ARAMEX

It's A Small World

آدرس: خیابان فلسطین، پایین تر از میدان فلسطین، شماره ۱۵۱

تلفن: ۶۴۰۳۹۴۰، ۱۴-۶۴۹۳۹۱۳ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱-۱۴۱۵۵ تهران - ایران

151, Felestin Ave., P.O.Box: 14155 - 1191 Tehran - IRAN, Tel: 6493913-14, 6403940 Fax: 6404396 E.MAIL: ARAMEX @ W W W.DCI. CO.IR